



تا کارشناس هنری باشی که متوجه به شدت بی کیفیت بودن اثر گردی! نخستین گام برای دور شدن از آن فضا همانا استفاده از ظرفیت موجود خود سیرجان بود. یعنی بهره بردن از ظرفیت هنرمندان شهر خودمان.

همین اتفاق هم افتاد و خیلی زود پیشنهادهای هنرمندان تجسمی سیرجانی راهی دفتر رییس سازمان زیبامنظر شد. پس ابتدا دست کم در حیطه‌ی نظر شورا و شهرداری متوجه شدند که شهر چه می‌خواهد و با چه کیفیتی می‌خواهد. اینکه سیرجان آنچه در این زمینه می‌خواهد چیزهایی ویژه و بومی فرهنگ و هویت تاریخی و اقلیم خاص خودش است و نباید ناشیانه از مجسمه‌های شهرهای دیگر کپی کرد و دوم اینکه این نیاز باید به هنری‌ترین شکل ممکن و با درصد قابل قبولی از کیفیت در محصول نهایی ارائه شود.

این طور شد که یک مسیر خوب از دوران شورا و شهردار سابق آغاز شد که شهردار کنونی آن را به بهترین شکلی تکمیل کرد. آن راه در ابتدا همانا استفاده از کارهای خوب بچه‌های سیرجان بود که با نیم‌نگاهی به شاخصه‌های سیرجان به اجرا درآمد.

مثل برخی کارهایی که روی درختان خشکیده بوستان‌ها اجرا شد. یا برخی دیواره‌نگاری‌ها که برخلاف گذشته دیگر

انگاری خدشه وارد نمی‌کرد؟

برگزاری سمپوزیوم مجسمه‌سازی گل‌گهر درسی بود که شهرداری سیرجان از آن آموخت و همین شیوه را در پیش گرفت تا امروز شاهد باشیم چگونه شهرمان از نظر جلوه‌های بصری متنوع و زیبا دگرگون شده است.

تقلیدی نبود و رنگ و بوی بومی داشت. اما همچنان این راه خام بود و به پختگی نرسیده بود. به هر حال سیرجان نیز یک شهر کوچک با ظرفیت‌های محدود هنری بود. نیازی برای استفاده از توانایی هنرمندان کشوری هم احساس می‌شد. اما آیا این نوع برون سپاری و سفارش بر بومی

